



کفتوگو

## چای؛ تولید، تجارت و قاچاق

کفتوگو با شمس‌الدین وهابی\*

شما در صنعت چای چه مشکلاتی دیدید که به فکر تحقیق و تفحص در مورد قاچاق چای افتادید؟

تسمن به‌طور ثانوی در جریان چای قرار گرفتیم. نمایندگان گیلان و مازندران در مجلس ششم (آقایان ندیمی، اخوان بازارده، صابری، حسن‌زادگان و صالح جلالی) با توجه به مشکلات اجتماعی و اقتصادی چایکاران و مسائل و مشکلات مربوط به کارخانجات تولید چای دریافتند یکی از این مشکلات، وجود چای خارجی در بازار داخلی است که به صورت غیرقانونی وارد می‌شود، زیرا طبق قانون ورود چای ممنوع بود، در نتیجه طرح تحقیق و تفحصی را در سال ۱۳۸۱ ارائه دادند. طبق آیین‌نامه ازسوی مجلس به کمیسیون اقتصادی ارجاع شد تا کمیته تحقیق و تفحص تشکیل شود. کمیسیون اقتصادی این کمیته را تعیین کرد. اعضای کمیته شامل آقایان اخوان، ندیمی، صابری، حسن‌زادگان، میدری، پوری حسینی، عزیززی و من می‌شد. کمیته کار خود را شروع کرد. در نیمه دوم سال ۱۳۸۱ این کار شروع و گزارش آن در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳ ارائه شد، یعنی حدود یک‌سال‌ونیم کار تحقیق و تفحص به‌طول انجامید و قرائت آن نیز، چهار جلسه مجلس را به خود اختصاص داد.

در این یک‌سال‌ونیم چه فرآیندی طی شد؟

تقدیر این مدت ما هم تحقیق می‌کردیم و هم تحلیل داشتیم، به جمع‌بندی‌های خوبی هم رسیدیم و اگر سازمان‌ها از نظر کاری وسیع‌تر بود و ارگان‌ها با کمیته همکاری بهتر و مسئولانه‌تری داشتند کار بهتری صورت می‌گرفت.

هر تحقیق و تفحصی از ارگان و وزارتخانه‌ای صورت می‌گیرد، آیا این تحقیق و تفحص هم مورد معنی را مدنظر داشت؟

تقدیر سالی که تحقیق و تفحص انجام شد (۱۳۸۱) ازسوی واردات چای ممنوع و ازسوی

دیگر چای خارجی در کشور فراوان بود. از سال ۱۳۷۹ ورود چای خارجی ممنوع شده بود. پیش از سال ۷۹، ورود آن به صورت آزاد مشروط بود، از این‌رو چون تحقیق و تفحص هم سال‌های پیش از ۷۹ و هم پس از آن، یعنی هم واردات قانونی و هم قاچاق را در برمی‌گرفت قطعاً ارگان‌های زیادی مورد بررسی قرار گرفتند، در نتیجه محدودیت خاصی برای فرد یا ارگانی نداشتیم، بلکه بسیاری از ارگان‌ها و سازمان‌ها ماهیتاً درگیر آن می‌شدند. نخستین فعالیت ما درخصوص واردات قانونی بود. طبیعتاً در این بخش از کار روی چند ارگان در این مورد کار کردیم که گمرک، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بازرگانی و دفاتر

نمایندگان گیلان و مازندران در مجلس ششم (آقایان ندیمی، اخوان بازارده، صابری، حسن‌زادگان و صالح جلالی) با توجه به مشکلات اجتماعی و اقتصادی چایکاران و مسائل و مشکلات مربوط به کارخانجات تولید چای دریافتند یکی از این مشکلات، وجود چای خارجی در بازار داخلی است که به صورت غیرقانونی وارد می‌شود، زیرا طبق قانون ورود چای ممنوع بود

استناد رسمی و بانک مرکزی را در برمی‌گرفت. در آن زمان بحث این بود که واردات قانونی چگونه صورت می‌گیرد، آیا گروه خاصی از آن منتفع می‌شود و دیگر آن که میزان واردات در چه حد است؟ از این‌رو کار گسترده‌ای برای به‌دست آوردن داده‌ها آغاز کردیم. مطالعات ابتدایی ما همراه با نقص اطلاعات بود، این بود که ناچار شدیم برخی اطلاعات را از برخی مراکز مهم تولیدکننده اطلاعات از خارج کشور بررسی کنیم که عمده‌ترین آنها کمیته بین‌المللی چای، (ITC-International tea Committee) است. اطلاعات این مرجع جهانی به این علت قابل اعتماد است که مانند اتحادیه‌ای است که هم اطلاعات مصرف‌کنندگان را دریافت می‌کردند و هم اطلاعات تولیدکنندگان و هم تجار عضو آن هستند و از این‌رو سطح اعتماد داده‌های آن بسیار بالاست. این کمیته صرفاً به ادعای گمرک در ارتباط با واردات اکتفا نکرد، بلکه از اطلاعات هر ارگانی هم که به نوعی در این مسئله دخیل بود استفاده شد.

منابع یادشده به‌طور آشکار پیرامون آمار قاچاق هم تحلیل داشتند؟

خیر، ما بخش زیادی از آن را از راه تراز داده‌ها و اطلاعات انجام دادیم. این اصل مهمی بود که موجب شد بتوانیم باوجود ضعف همکاری و داده‌ای، بتوانیم گره قاچاق چای را باز کنیم. روند محاسبه تراز یا موازنه اطلاعاتی ایران، کشورهای همسایه، کشورهای تولیدکننده و... بسیار اهمیت داشت. مسئله مهم دیگر تعیین معین مصرف سرانه چای در ایران بود تا متوجه شویم مصرف کشور چقدر است، تا از طریق آن با توجه به دیگر داده‌ها آنچه در ایران به صورت قانونی یا قاچاق وارد می‌شد را محاسبه کنیم. اگر ما مصرف کل کشور و تولیدات به فروش رفته و تغییرات موجودی انبار را بدانیم، می‌توانیم میزان واردات با قاچاق واقعی را بر آن

مبتا ارزیابی کنیم. نتیجه بررسی این شد که مصرف سرانه چای نزدیک به آمار ITC، ۱/۶۳ بود.

**آنها مصرف سرانه را از روش کلی به دست آوردند یا نمونه گیری کردند؟**

□ قدر دوره‌هایی که داده‌ها شفاف است و تولید، عرضه و واردات و صادرات مشخص است، طبق معادلات اقتصادی کل مصرف را از راه تراز تولید، صادرات، واردات و تغییرات انبار به دست می‌آورند، سپس آن را به جمعیت تقسیم می‌کنند و پس از تکرار چندین باره آن، ذائقه هر کشور را به دست می‌آورند که هر کشور چقدر و چه نوع چای مصرف می‌کند، چای ارتدوکس مصرف می‌کند یا گونه کنیایی، که به چای کله مورچه‌ای معروف است.

**احتمالاً با فرض این که این کالا ضروری است، مصرف سرانه آن در طول سال‌ها تغییری نمی‌کند.**

□ قدر مصرف، تغییر ذائقه در طول یک، دو یا حتی چهار سال اتفاق نمی‌افتد، برای نمونه جایگزین کردن مصرف قهوه و نسکافه به جای چای نیاز به مدت زمانی دارد و در حد یک نسل یا بیشتر طول می‌کشد، چون در ایران از نظر نوع نوشیدنی‌هایی که می‌خورند در مقایسه با دیگر کشورها محدودیت است، از این رو چای همیشه در این سبد وجود دارد. ما تلاش کردیم برای کسب اطلاعات از هر جای ممکن از جمله مرکز آمار و وزارت بازرگانی و گمرک، سازمان چای و اتحادیه تعاونی چایکاران شمال و کارخانجات استفاده کنیم تا واقعیت را بفهمیم. می‌توان گفت در زمینه جمع‌آوری اطلاعات هیچ کوتاهی نکردیم.

اساساً بدون داده معتبر، کار تبیین، تحلیل و قضاوت کاری سخت است بویژه زمانی که بخواهید از داده‌های آشکار به مسائل پنهان دسترسی یابید. اینجاست که کار از لحاظ متدولوژیک پیچیده‌تر می‌شود، بخصوص اگر همه دستگاه‌ها به یک میزان تمایل به همکاری نداشته باشند یا نظام آماری آنها ضعیف باشد. ما در مورد نوع همکاری دستگاه‌ها نیز در آن گزارش اشاره داشته‌ایم.

**آیا عدم همکاری آنها ناشی از بود و کوراسی بود یا به ماهیت موضوع - که به قاچاق مربوط می‌شد - برمی‌گشت؟**

□ قدر اینجا نمی‌توان قضاوت قطعی کرد. وقتی قاچاق گسترده شود شما می‌توانید ظن برید و ضعیف بودن نظام آماری را عمدی فرض کنید یا برعکس آن را ناشی از سازمان و گزارش دهی ضعیف آنها بدانید. بنابراین من سعی داشتم در این گزارش قضاوت ویژه‌ای ناشی از انگیزه نداشته باشم، بلکه بیشتر قصد داشتم از داده‌ها برداشت کنم و آنها را که نمی‌دانستیم برای بررسی بیشتر نگاه می‌داشتیم.

در طول بررسی با یک نظام واسطه‌گری مجوز قانونی روبرو شدیم. سازمان چای به افرادی مجوز



### گزارش تحقیق و تفحص در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳ ارائه شد، یعنی حدود یک سال و نیم کار تحقیق و تفحص به طول انجامید و قرائت آن نیز، چهار جلسه مجلس را به خود اختصاص داد

ورود چسای می‌داد که این مجوزها مورد خرید و فروش قرار می‌گرفت. بحثی در مورد فروش یا صلح منافع مجوزهایی بود که تعداد محدودی افراد از سازمان چسای می‌گرفتند تا چسای وارد کنند و بلافاصله آن را به افراد دیگر می‌فروختند، از این رو در اینجا بازاری وجود داشت که یک مجموعه مالی را در همین حلقه اول سامان داده بودند. این اسناد در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شد، ما تک تک این اسناد را بررسی کردیم و در گزارش خود این موضوع را به طور مشروح باز کردیم. از سوی دیگر اسناد، تمام گمرکات و نیز ثبت سفارشات و اطلاعات وزارت بازرگانی یا بانک را بررسی کردیم تا بفهمیم چه کسانی و چه شرکت‌هایی، با چه نام‌هایی و در چه سال‌هایی وارد می‌کنند. در حقیقت به دنبال سازمان و مجموعه‌ای بودیم که بر پایه نظام محورها شکل می‌گرفت. ما تلاش داشتیم نقض اطلاعاتی را برطرف کنیم، چون فکر می‌کردیم اگر پایه کار بلندگد، قطعاً تحلیل آن هم خواهد لنگید.

بنابراین ما تا حد ممکن اطلاعات خود را قبول

داریم و حتی مخالفان هم اگر بحثی داشته باشند، اما این داده‌ها و آمار را صحیح تلقی می‌کنند.

**آیا می‌توان نتیجه گرفت این مستندترین تحقیقی است که پیرامون قاچاق چای در ایران شده است؟**

□ گزارش‌های تحقیق و تفحص در روزهای پایانی مجلس ششم قرائت شد، یعنی مجلس هفتم، ۷ خرداد باید تشکیل می‌شد و ما در ۳۰ اردیبهشت، یکم، سوم و پنجم خرداد این گزارش را قرائت کردیم. از آنجا که وقت مجلس ششم تنگ بود، هیئت رئیسه دائم تذکر می‌داد که گزارش را به علت کمبود وقت خلاصه کنیم و ما هم به ضمانت ارجاع می‌دادیم. اما در گزارشی که روابط عمومی مجلس چاپ کرد، در مقدمه آن آورده است که «این کار هیئت از جمله طرح‌های تحقیق و تفحصی بود که چند دوره در مجلس ششم قرائت شد و در نوع خود از جهت رعایت ابعاد علمی و داشتن طرح تحقیق مشخصی می‌توانیم آن را نمونه‌ای قابل اعتنا در پژوهش‌های اقتصادی و اجتماعی تلقی کنیم».

فشارهای زیادی از جمله فشار افکار عمومی وجود داشت که این گزارش زودتر به نتیجه برسد که البته سرعت اجابت درخواست گاهی کیفیت را پایین می‌آورد. ما در برابر همین شتاب توانستیم مقاومت کنیم تا کار با نقص کمتری آماده شود و متوجه شدیم چسای به عنوان یکی از کالاها در بستر عمومی کل قاچاق کالاها قابل مطرح است و باز کردن ابعاد آن به نوعی باز کردن کلیت قاچاق در کشور است. از همین رو در اواسط کار گرایش یافتیم مبتنی‌ای که موجب می‌شود قاچاق رونق پیدا کند را پیدا کنیم. سپس در یافتیم قاچاق به فضای عمومی بستگی دارد، یعنی عوامل متعددی وجود دارد، کشور تولیدکننده‌ای است که باید ارسال کند و از سوی کشورهای واسطه قاچاق که در آنها محل‌های دپوی قاچاق مانند کشورهای امارات، افغانستان، عراق و حتی کشورهای CIS (گروه‌های آسیای مرکزی) هستند. چرا باید چنین اتفاقی می‌افتاد و مسیر قاچاق میان این کشورها و ایران تسهیل می‌شد؟ آیا برای نمونه ترتیبات امنیتی عراق یا نظام گمرکی دویی و یا تحولات ترکیه یا پاکستان و افغانستان در این زمینه دارای نقش هستند؟ ما برای بررسی این مسئله نیاز به درک و فهم یک سیستم جهانی - منطقه‌ای داشتیم که شامل کشورهایی می‌شد که به نوعی محرک در آنها موجب اثرگذاری در قاچاق چسای در ایران می‌شود. برای نمونه اگر روابط میان افغانستان و پاکستان که موافقتنامه تجارت آزاد را میان خود امضا کردند، دچار خدشه می‌شد، تحلیل ما در خصوص عوامل مؤثر تغییر می‌کرد، ما می‌بایست تجارت و مصرف چسای کشورهای همسایه را بررسی می‌کردیم تا بتوانیم تراز تجاری و حجم قاچاق به

ایران را حدس بزیم و این موضوع در متدلوژی کار ما نقش تعیین کننده‌ای داشت. با مطالعه مصرف افغانستان و یا حجم تجارت چای به این کشور متوجه شدیم که واردات افغانستان بسیار بیشتر از مصرف آن است، از این رو پرسشی پیش می‌آمد که کشورهای همسایه همچون افغانستان یا دومی و عراق این همه مازاد بر مصرف را برای چه می‌خواهند؟ قاجاق، بدون مجموعه‌ای از تنظیمات سیاسی - امنیتی بسیار سخت است. قاجاق پایدار باید در امنیت پایدار باشد و این به آن مفهوم است که عناصری که در مرزهای کشورهای یا درون یک کشور امنیت ایجاد می‌کنند باید همکاری با یکدیگر داشته باشند و این همکاری پایدار باشد. یا برای نمونه ناچار شدیم در گزارش خود بافت سیاسی شمال عراق را بررسی کنیم، به همین دلیل به‌طور مفصل روابط سیاسی آن منطقه، یعنی روابط حزب دموکرات با طالبانی، نوع روابط حزب دموکرات و اتحادیه میهنی با صدام - صدام و پسرش عدی در زمانی پس از ماجرای تحریم وارد قاجاق شدند - را بررسی کردیم و به این جمع‌بندی رسیدیم بسیاری از تناقضاتی که میان حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی رخ داد ناشی از یکسری روابط اقتصادی بود. بدون در نظر گرفتن این مسائل در عراق، نمی‌توان سیکل قاجاق ایران را دریافت، از همین رو کمیته به این نتیجه رسید که چای، تافته جدا بافته‌ای از قاجاق دیگر کالاها نیست و اگر به این گزارش توجه لازم می‌شد دستاوردهای آن می‌توانست نه تنها برای چای، بلکه برای کلیت قاجاق مورد استفاده قرار گیرد.

به یاد دارم زمانی که گزارش را در صحن مجلس قرائت می‌کردم از آنجا که طولانی بود، همواره تذکر داده می‌شد که مسائل عمومی را جمع کنیم، ولی من اصرار داشتم که مسائل عمومی باز شود تا نفع‌های عمومی قاجاق بررسی شود، نه کالا بنه کالا یا کالای خاصی. اگر سازمان‌های دولتی یا غیردولتی این کار را دنبال کنند منفعت زیادی برای کشور دارد.

**■ از نظر شما به‌طور کلی علل و عوامل قاجای چای چیست؟**

تعمولاً قاجاق معلول عدم آزادسازی تجاری برنامه‌دار و پایدار است. اگر قواعد و مقررات تجارت خارجی ما قابل پیش‌بینی باشد و برای نمونه بدانیم تعرفه‌ای که برای هر کیلو چای بسته می‌شود چقدر است و بدانیم که این مقررات مقطعی یا پایدار است، آن‌گاه به‌عنوان تاجر می‌توانیم وارد کنیم و بر ثبات این مقررات اطمینان داشته باشیم، در نتیجه در بستری از اعتماد، معاملات تجاری خود را سامان دهیم. اگر تعرفه پایدار بیشتر از

هزینه قاجاق نباشد، حجم قاجاق کم خواهد شد. مسئله عمده این است که مقررات تجارت خارجی ما که مربوط به صادرات و واردات چای است از برنامه صحیح برخوردار نبود و پایداری هم نداشت. وقتی شما با ناپایداری و بی‌برنامگی در تجارتی روبه‌رو می‌شوید، به‌سوی اتخاذ راه دیگری می‌روید که همان واردات غیرقانونی است. البته واردات غیرقانونی از نظر واردکنندگان ثبات بیشتری دارد، چرا که راه‌های ورود آن متنوع است، اگر راهی بسته شود، راه‌های دیگری باز می‌شود و بنابراین می‌تواند با ثبات وارد کند. به همین دلیل بود که پس از پایان گزارش تحقیق و تفحص تصمیم گرفته شد ممنوعیت ورود، لغو، و چای با شرطی وارد شود؛ شرط آن این بود که تعرفه برابر هزینه قاجاق باشد. محاسبه‌ای انجام شد و هزینه قاجاق چسبی که به یک قاجاقچی تعلق می‌گرفت برای ورود چای به داخل کشور، کیلویی ۷۰۰ تومان برآورد شد. از این رو ما محاسبه کردیم که چنانچه ریسک واردات و ریسک قاجاق یکسان شود، باید قاجاق کم شود. این گونه هم شد و در سال‌های اول و دوم این اتفاق افتاد، ولی وقتی به‌جای تکمیل نواقص این طرح، ابهامات اساسی

**ما تلاش کردیم برای کسب اطلاعات از هر جای ممکن از جمله مرکز آمار و وزارت بازرگانی و گمرک، سازمان چای و اتحادیه تعاونی چایکاران شمال و کارخانجات استفاده کنیم تا واقعیت را بفهمیم. می‌توان گفت در زمینه جمع‌آوری اطلاعات هیچ کوتاهی نکردیم**

روی آن ایجاد شد و روش‌های غیرعملی برقرار شد مسیر قاجاق دوباره به حیات خود ادامه داد. فرض ما در تحقیق و تفحص بر این بود که - صرف‌نظر از ماهیت اخلاقی آن - اگر فردی میان دو گزینه قاجاق و تجارت قرار گیرد قاجاق را انتخاب می‌کند یا تجارت را؟ این پاسخ است که اگر قواعد تجارت قابل پیش‌بینی باشد تعداد بسیاری افراد می‌توانند وارد تجارت شوند، درحالی که در حوزه قاجاق هر کس نمی‌تواند وارد

شود، زیرا اداره قاجاق کار هر کسی نیست، پس اگر این تجارت پایدار شود تجارت سالم و آزاد شکل می‌گیرد در غیر این صورت، قاجاق پروتق می‌شود، زیرا عوامل قاجاق به‌دنبال سود هستند. این انگیزه مهم کسانی بوده است که به دنبال قاجاق رفته‌اند.

مسئله دوم این بود که تولید ما کفاف مصرف را نمی‌دهد. حداکثر زمین‌های زیر کشت چای ما ۳۴ هزار هکتار است که از این میزان هم در یکی - دو سال اخیر ۲۵ هزار هکتار زیر کشت رفت. بسیاری از این زمین‌ها در اراضی شیب‌دار و در معرض شسته‌شدن هستند. عمر بسیاری از باغات شمال بیش از ۷۰ سال است. زمین باغات چای دچار آفتابی است که باید خاکساک را بهبود داد. موسم و میزان باران هم آن‌گونه‌ای نیست که در سریلانکا و هند وجود دارد و از این رو میزان برداشت ما از واحد سطح محدود است. در مجموع باید گفت در کیفیت برداشت محصول اختلاف نظر وجود دارد برخی می‌گویند اگر باید درست استحصال شود کل محصول تولیدی محدود شده و در حد ۲۰ هزار تن خواهد رسید، زیرا این محصول به‌جای برداشت یک غنچه و دو برگ، با ساقه و دیگر برگ‌ها مخلوط شده و میزان بالا می‌رود، از این رو تولید چای در حدود ۵۰ هزار تن می‌شود، درحالی که مصرف چای در کشور حدود ۱۱۰ هزار تن است. اگر حتی تمام چای که به این وضع برداشت شده است به فروش برسد (این در حالی است که برخی از آنها اصلاً کیفیت ندارند) نتیجه این می‌شود که چپیزی حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن کمبود داریم، چون مصرف‌کننده متقاضی چای است، پس اگر قاجاق نیز نباشد باید واردات صورت گیرد، یعنی ورود چسبی و نیاز کشور به آن مسئله‌ای جدی است، به خاطر همین ما بررسی کردیم که چند نفر هستند که قاجاق کلان را سامان می‌دهند یا تنها خرده‌قاجاق است. وقتی به حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ هزار تن مصرف در سال رسیده‌ایم و تولید هم خیلی کمتر از آن است، پس متوجه شدیم واردات حدود ۷۰ هزار تن در سال امر بدیهی برای تأمین مصرف کشور است، مگر این که سطح زیر کشت باغات افزوده شود و آن هم امکان ندارد، زیرا هزینه تولید چای نسبت به درآمد آن بسیار بالاست. در سالی که ما محاسبه کردیم فهمیدیم متوسط درآمد یک خانوار چایکار در سال از حدود ۷۰۰ هزار تومان بیشتر نیست، بنابراین وقتی این فرد بدون پشتوانه باشد و برایش امکان داشته باشد به‌جای چای، کاربری را تغییر دهد، عقل اقتصادی حکم می‌کند که دنبال تولید چای نرود، همان‌طور که در سال‌های اخیر

هم گروه زیادی از این تولیدکنندگان ۳۴ هزار هکتار چایکاری را رها کردند، چون کاری بسیار پرزحمت است، آنها هم برای تولید و هم نگهداری باید هزینه بدهند و این تفاوت درآمد و هزینه، تکافوی هزینه خانوار را نمی‌دهد.

اگر ۷۰۰ هزار تومان درآمد سال ۱۳۸۲ خانوار چایکار در سال را تقسیم بر ۱۲ (ماه) کنیم، حدود ۶۰ هزار تومان می‌شوند، یعنی متوسط درآمد ماهانه یک خانوار چایکار ۶۰ هزار تومان بوده است، حال تصور کنید اینها چگونه با این میزان درآمد، زندگی می‌کردند، از این رو طبیعی بود که آنها به دنبال این باشند که بر واردات ممنوعیت گذاشته شود یا قاعده‌ای باشد که دست کم چای آنها به

حداستنتاج خود را با استفاده از آمار فروش، قیمت فروش و تعداد خانوارها به دست آوردیم.

این قیمت زمانی بود که قاچاق چای انجام می‌شد و بیش از آن هم توان فروش نداشتند، ولی اگر قاچاق نبود یا کم بود، قیمت بالاتر از آن توجه داشت یا نه؟

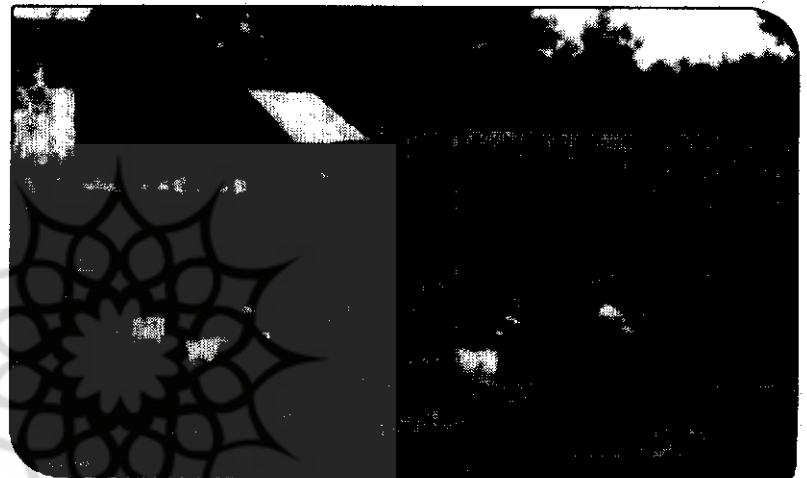
وقتی چای خارجی با هزینه ریسک پایین وارد کشور شود این موضوع زخ می‌دهد.

آیا به یاد دارید که قیمت متوسط چای قاچاق چقدر است و قیمت تولید داخلی به چه میزان است؟  
تزمانی که ما روی این موضوع کار می‌کردیم قیمت چای خارجی بین ۴ تا ۵ هزار تومان بود که البته در حال حاضر بالاتر رفته است و چای ایرانی

(چای خشک کنی) کند. از ۴/۲ کیلوگرم برگ سبزی که می‌گیرند، یک کیلوگرم چای خشک تولید می‌کنند. در دورانی به علت همین مشکلات اجتماعی، دولت به صورت حق‌الععمل کاری با چای‌سازان کار کرد، یعنی دولت در زمانی خودش برگ سبزی را می‌خرید و به کارخانه‌دار می‌داد، کارخانه‌دار هم خشک می‌کرد. بر سر قیمت چای درجه یک و دو بحث‌های زیادی بود. در یک سال دولت سیستم خرید را برداشت، سیستم قبلی به کارخانجات حق‌الععمل کاری می‌داد. سپس دولت به آنها گفت خود شما چای را بخرید و دولت به شما وام می‌دهد. خود این وام دادن، موجب اختلاف‌هایی میان چایکاران و کارخانجات شد. صد و چند میلیارد تومان وام داده شد که بخش بزرگی از آن بازپرداخت نشد و چای‌سازان (کارخانجات چای) به این امر متهم شدند که پول وام را گرفته‌اند و به دنبال کار ملک و املاک رفته‌اند، از یک سو بانک‌ها طلبکار و از سوی دیگر چای‌سازان و کارخانجات بدهکار بودند. از سوی دیگر هم چایکار پشت در کارخانجات معطل مانده بود تا برگ چای خود را بفروشد و دچار مشکلات معیشتی بود. کارخانجات هم از وقت محدودی که در اختیار کشاورز بود استفاده می‌کردند تا چای را به قیمت نازل بخرند.

وقتی وام را به کارخانه‌دار براساس تولید می‌دادند، سعی می‌کرد تولید را بیشتر کنند. این تولید را چگونه زیاد می‌کرد، درحالی که ۳۴ هزار هکتار زمین بیشتر نبود؟ این تولید به گونه‌ای بود که برداشت از سطح بیشتر شود، یعنی غیر از خنجه و دو برگ، شاخ و برگ هم مخلوط کنند. از این رو نظام اقتصادی و پروسه رابطه دولت، کارخانه‌دار و چایکار به این انجامید که پروسه تولید کشور ما از وضعیت کالای مطلوب و بهینه خارج شود و کمی‌گرایی به جای کیفیت‌گرایی نشست. همه این مسائل موجب شکل‌گیری قاچاق شد و آنها هم براساس ذائقه مصرف‌کننده جلو می‌رفتند. تعمقی روی طراحی فرایند طی شده نبود. فرایندی که بخواهد در یک یا دو جلسه نشست و برخاست، هر چند با حضور خوش‌نیت‌ترین افراد باشد، ولی بدون کار کارشناسی صورت گیرد موجب تصمیم‌گیری اشتباه می‌شود.

یکی از مشکلات ما این بود که سازمان متفکر و سازمان اجرایی ما یکی و آن هم سازمان چای کشور بود، که میان وزارت بازرگانی و جهاد کشاورزی هم دست به دست می‌گشت. گاهی که بر سر مسائل اجتماعی یا فشار نمایندگان مجلس، سازمان مدیریت دخالت می‌کرد، از آنجا که احاطه همه‌جانبه و کلی و فرصت مذاقه روی یک موضوع



زیر ۲ هزار تومان بود. چای ایران در سال‌هایی بر مبنای کمی‌گرایی، نظام تولیدی و تولید چای به مفهوم برگ سبزی شکل گرفت. پروسه این گونه است که شما چایکاری دارید که باغ دارد، این چایکار در فصول معین چای را می‌چیند و در اختیار کارخانه‌دار قرار می‌دهد. کارخانه‌دار از چایکار جداست و فرصت ارائه محصول بسیار محدود است. این محصول به سرعت پلاسیده می‌شود و وقتی پلاسیده شد به درد نمی‌خورد، در نتیجه کارخانه‌دار باید سریعاً این را وارد فرایند تخمیر

فروش برسد. از سوی دیگر هم با محدودیت تولید روبه رو بودیم. ۸۳ درصد مزارع ما زیر یک هکتار است، اگر این را با هند و سریلانکا مقایسه کنید می‌بینید که مساحت مزارع آنجا از ۱۰۰ هکتار تا ۴۰۰ هکتار است. آیا ما می‌توانیم تولید با صرفه صورت دهیم؟ پس هم امکان توسعه وجود ندارد و هم تولید آن به صرفه نیست. از سوی دیگر کشاورزان و چایکاران هم با مشکلات معیشتی روبه‌رو هستند. درحقیقت مسئله چای پیش از این که مسئله‌ای اقتصادی برای دولت باشد، مسئله‌ای اجتماعی است. وقتی مصرف زیاد باشد و تولید هم کفاف مصرف را ندهد، نیاز به واردات چای از خارج است. وقتی سیاست صادرات و واردات پایداری نباشد، سیاست قاچاق پایدار شکل می‌گیرد و راه و روش خود را هم پیدا می‌کند.

این محاسبات در زمانی است که قاچاق چای صورت می‌گیرد و معمولاً در زمانی که قاچاق انجام می‌شود، بسیاری از تولیدات توجه ندارد. آیا قیمتی که برای تولید داخلی گرفتید، قیمتی بین‌المللی بود یا قیمتی که بازار در شرایط قاچاق ایجاد می‌کرد؟

**ما تلاشی داشتیم نقص اطلاعاتی را برطرف کنیم، چون فکر می‌کردیم اگر پایه کار بلندگردد، قطعاً تحلیل آن هم خواهد لنگید**



میزان و با چه شگردهایی به کشور وارد شود. پس از ورود باید در کجا نگهداری و توسط چه سیستمی توزیع شود. همه اینها را ما در تحقیق مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که سریلانکا و هند (بیشتر سریلانکا) دو کشور عمده‌ای هستند که چای ایران را تأمین می‌کنند. چند ماه پیش هم مذاکراتی صورت گرفت که ایران به آنجا اعتباراتی ارائه دهد. دست‌اندرکاران قاچاق هم به دنبال توافق‌هایی میان دو کشور هستند تا منفعت بیشتر را در حقیقت قاچاقچیان ببرند.

وقتی ما سیستم واردات، کنترل و کشفیات قاچاق چای را بررسی کردیم، نتیجه گرفتیم عمده چای قاچاق ایران از سریلانکا است. ما تمام آمار صادرات و واردات را زیر نظر گرفتیم و متوجه کشورهای صادرکننده شدیم.

❑ وقتی به‌طور قانونی چای وارد کشور شده و سپس ممنوع می‌شود، همان تجاری که قانونی وارد می‌کردند، در اولویت قاچاق قرار می‌گیرند، چون ابزار و بازار دارند.

❑ البته، همچنین تخصص دارد و مصرف و ذائقه ایران را می‌شناسد. من معتقدم اصلاً قضاوت ارزشی نکنیم، بلکه بررسی کنیم که سیستم به هر طریقی طراحی شود، تجارت و قاچاق در اثر تغییر سیستم از مسیری به مسیر دیگر جایگزین می‌شود. وقتی در سال ۱۳۸۳ واردات، اندکی آزاد شد، بخشی از افرادی که به نوعی نسبتی با قاچاق داشتند به نوعی شروع به واردات آزاد کردند.

❑ در تحقیقات میدانی خود آیا به سراغ بازاریان، انبارداران و واردکنندگان رفتید تا پیوسید ابزارهای آنها از کجا پر شده است؟

❑ البته، این جزو حوزه کار میدانی گسترده ما بود و بسیاری از دست‌اندرکاران را به مجلس دعوت و با آنها مذاکره کردیم. این مذاکرات ضبط شده است. ❑ منظور این است که به نوعی مع آنها را بگیرد.

❑ اخیراً، ما به دنبال مع‌گیری نبودیم. همچنین ما به دنبال برخورد با قاچاقچی نبودیم، بلکه وظیفه ما شناخت یک پدیده بود. آن وظیفه برعهده قوه قضاییه، مجریه، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز بود. ما با همه اینها مذاکره کردیم. وظیفه ما شناخت این سیستم و باراندازهای داخلی و خارجی و شناخت مسیرها بود، برای نمونه مسیر ورود را از عراق با جزئیات فهمیدیم و حتی توانستیم از روستای خاصی هم که می‌گذشت ردیابی و کشف کنیم. حتی خود من به آبراه‌های جنوبی رفته و گشت دریایی در آنجا زدیم و مذاکراتی کردیم. به اتفاق برخی ارگان‌ها شبانه سرزده به گمرکات دورافتاده رفته و نظارتی داشتیم. فهرست طولانی هم در ارتباط با نظام گمرکات و اسکله‌ها ارائه دادیم. اگر از همین

**فشارهای زیادی از جمله فشار افکار عمومی وجود داشت که این گزارش زودتر به نتیجه برسد که البته سرعت اجابت درخواست گاهی کیفیت را پایین می‌آورد. ما در برابر همین شتاب توانستیم مقاومت کنیم تا کار با نقص کمتری آماده شود و متوجه شدیم جای به‌عنوان یکی از کالاها در بستر عمومی کل قاچاق کالاها قابل مطرح است و باز کردن ابعاد آن به نوعی باز کردن کلیت قاچاق در کشور است**

هم نداشت و نهادی هم در اختیار نداشتند که آن نهاد طی چند ماه برای آنها کار دقیق کارشناسی انجام دهد و نیز برون سپاری صحیحی برای کار تحقیقی صورت نمی‌گیرد، نتیجه نظام اصلاح ساختار شد که در حال حاضر مورد اعتراض همه کسانی است که در صنعت چای هستند و معتقدند این نظام اصلاح ساختار را سازمان برنامه و بودجه و دولت ایجاد کرد، ولی موجب مشکلاتی شد. قاچاق به دنبال نیاز کمبود چای در داخل کشور شکل می‌گیرد، از این رو ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم در جای خود کفا شویم، از آنجا که بخش زیادی از تولید این بخش در ایتالی می‌ماند و درآمد تولید مناسب و مکنی نیست، روز به روز از سطح زیر کشت کاسته شده و مزارع و باغات متروک می‌شوند. اگر این روند ادامه یابد طی چندین سال ممکن است ما دیگر چایکاری در کشوری نداشته باشیم.

❑ با توجه به تحقیقات گسترده شما، لطفاً توضیح دهید روش‌های قاچاق چای به چه صورت است. ❑ در قاچاق چای شما باید به کشور تولیدکننده توجه کنید و سپس به سیستمی که این را در باراندازهای عمده خارج از کشور، باراندازی می‌کند. خود این سیستم نیاز به ترتیبات سیاسی و امنیتی دارد و این که از آن کشور واسطه به چه

گزارش بهره‌برداری می‌شد، بسیار مؤثر بود. در بخشی از گزارش تعداد اسکله‌های غیرمجاز تجاری از دیدگاه گمرک و از دیدگاه سازمان بنادر و کشتیرانی را به تفکیک، ارائه دادیم.

### ■ در این اسکله‌ها قاچاق صورت می‌گرفت؟

تخیر، ما مدعی این نیستیم که در کدام یک از اینها قاچاق جای صورت می‌گیرد، بحث ما به نظام عمومی بازمی‌گردد. اسکله‌هایی وجود دارد که کار تجاری روی آنها صورت می‌گیرد، اما از دید گمرک و سازمان بنادر و کشتیرانی که اسکله‌ها باید از نظر و از دید آنها کنترل شود و مجوز داشته باشد، این اسکله‌ها مجوز فعالیت تجاری نداشته‌اند، ولی تجارت در آنجا صورت می‌گرفت.

ما تنها در استان هرمزگان ۴۸ اسکله داشتیم. در چابهار، خوزستان و جمعا در کل بیش از ۱۰۰ اسکله می‌شود. من قصد ندارم بگویم این کار عمدی است، بلکه مانند بسیاری از بی‌برنامگی‌هایی که در سطح زندگی اجتماعی ما و کارهای دیگر کشور که ناهماهنگی وجود دارد و هر کس به صورت یک جزیره مستقلی عمل می‌کند، موجب می‌شود چنین وضعیتی پیش بیاید.

ما تمامی شرکت‌ها و کسانی که به ایران جای فروختند را شناسایی کردیم و آنها را براساس سهم بازار طبقه‌بندی کرده و هفت شرکت عمده را استخراج کردیم، یکی از آنها اکبر برادرز (Akbar Brothers) بود. همه این شرکت‌ها خارجی هستند، ولی ایرانی‌ها رابطه خوبی با آنها دارند. افراد مقیم ایران هم در سهام اکبر برادرز شرکت دارند. شرکت دیگر فونیکس گلف (Phoenix Gulf) که در دوی است و ایرانی‌ها پایه‌گذار آن بودند. دویی چسای ندارد، ولی از تاجران این شرکت می‌خرد. این شرکت در دویی است و ایرانی‌ها سهامدار آن هستند و حلقه‌ای را تشکیل داده‌اند و به ایران تحویل می‌دهند. درگیری شرکت استنسن اند اکسپورت (Stassen and Export) بود. دیگری وان‌رس سیلان و دیگری AFT Industrial مستقر در کلکته بود.

شرکت‌های بعدی هم اکسیولان کاتی و وارنتی بودند. این شرکت‌ها بیشترین سهم را در منبع ارائه جای دارند. در این گزارش به این نتیجه رسیدیم تا زمانی که گزارش را تهیه کردیم بازار ایران سرشار از جای احمد است که شرکتی ثبت شده در انگلیس می‌باشد. یک کیلو گرم از جای احمد به مقصد ایران ثبت نشده است، ولی بازار ایران پر از این جای بود. این به مفهوم آن است که آنها می‌کنند که در ایران هستند، با خارجی‌ها روابط تنگاتنگ و پیچیده‌ای دارند و کمیته به این موضوع در گزارش به‌طور صریح‌تری اشاره کرده است و در اینجا به‌طور خلاصه و با ملاحظه از مسئله می‌گذرم. در

ایران تقسیم کاری وجود دارد و گروهی با هند و گروهی با سریلانکا کار می‌کنند و گروهی نیز در هر دو مکان جا دارند. ما در گزارش تحقیق و تفحص نام اینها را آورده‌ایم منتها با حرف اول نام کوچک و حرف اول نام فامیل. چون از میان آنها اگر حتی دو نفر در مظان اتهام قرار می‌گرفتند آبروی افراد می‌رفت، در نتیجه به بیان مسئله پرداختیم. البته شرکت‌های ایرانی را به‌طور کامل در آنجا نام بردیم تا اگر دستگاه‌هایی مانند قوه قضاییه، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات می‌خواستند با قاچاق مبارزه کنند، این اطلاعات را داشته باشند.

### ■ این اسامی ارتباطی با ارگان‌ها یا مقام‌های دولتی داشتند؟

به فاکت مشخصی در این مورد نرسیدیم. ما این ارگان‌ها از جمله نیروهای نظامی، امنیتی و بازرگانی را به‌طور مشخص تحلیل کردیم، در مورد آنها هم در گزارش آورده‌ایم. حتی نقش آنها را به گونه‌ای که ممکن بود کوتاهی‌هایی داشته باشند تحلیل و بررسی کردیم و شوروی عالی امنیت ملی را هم مورد بررسی قرار دادیم و از بخشنامه‌های آنها بهره‌گیری کردیم. زمانی بازار چه‌های امنیتی وجود داشت و در سال‌هایی جای هم به آنها به تعداد محدود وارد می‌شد و در سال‌هایی هم این گونه نبود. تمام این موارد را با ذکر مکاتبات و شماره آنها در گزارش تحقیق و تفحص آوردیم. در پایان گزارش بخشی را با عنوان «عملکرد دستگاه‌ها در مبارزه با قاچاق» قرار دادیم و وزارت کشور، نیروی انتظامی و نظامی، وزارت اطلاعات، وزارت بازرگانی و سازمان چسای را بررسی کردیم. ما کارهای آنها در مبارزه با قاچاق و یا کم‌کاری‌ها و

رتال جامع علوم انسانی

**قاچاق، بدون مجموعه‌ای از تنظیمات سیاسی - امنیتی بسیار سخت است. قاچاق پایدار باید در امنیت پایدار باشد و این به آن مفهوم است که عناصری که در مرزهای کشورها و یا درون یک کشور امنیت ایجاد می‌کنند باید همکاری با یکدیگر داشته باشند و این همکاری پایدار**

عدم هماهنگی‌های آنها را ذکر کردیم. البته برخی اطلاعات عمق محرمانه داشت و فرصت تحقیق و تفحص وجود نداشت، بویژه آن که تحقیق و تفحص‌های مجلس ششم با محدودیت‌های ساختاری روبه‌رو شد و این موضوع کمک کرد تا اطلاعات به‌طور کامل ارائه نشود.

### ■ این موضوع جای پرسش دارد که چرا چنین گزارش‌هایی هیچ‌گاه منتشر نشد تا در اختیار عموم قرار گیرد؟

این پرسش برای من هم مطرح است و من انتظار داشتم این گزارش زمانی که در صحن خوانده می‌شد، ستاد مبارزه با قاچاق دست کم بخواهد مستندات ما را ببیند. من گفتم اصلا به محکوم کردن و مج‌گیری اعتقاد ندارم، حتی اگر گذشتگان را همگی عفو کنیم و از این پس در پروسه و جریانی روی اینها کار شود تا اقتصاد کشور دیگر از این مدار ضربه نخورد مناسب‌تر است. ما در مدار رقابت جهانی قرار داریم، نفت ما تا مدتی دوام دارد و وقتی جمعیت افزایش یابد و تولیدات صنعتی ما زیاد شود، از قدرت نفت کاسته خواهد شد. از سویی ما دعوای سیاسی و ژئوپولیتیک در دنیا داریم، چه بخواهیم و چه نخواهیم. من از موضع کارشناسی این بحث را مطرح می‌کنم. معلوم نیست به چه میزان بتوانیم نفت خود را استخراج کنیم، پس چاره‌ای جز این نداریم که همیشه شویم و رویه این قبیل مسائل و اقتصاد زیرزمینی را باز کنیم. همه توان خود را در جهت شفاف‌سازی انجام دهیم و قاچاق را به تجارت تبدیل کنیم. ما ریسک قاچاق را شناسایی کردیم، برای نمونه هزینه حمل آن چقدر است و چه میزان پول به فلان حزب در کردستان عراق داده می‌شود... هزینه همه اینها جمعا به حدود ۷۰۰ تومان در هر کیلوگرم رسید. چرا در آن سال برای یک کیلو چسای ۷۰۰ تومان حقوق گمرکی تعیین شد؟ چون قاچاقچی بگوید من که ۷۰۰ تومان برای هزینه قاچاق می‌دهم، حال این ۷۰۰ تومان را به صورت هزینه گمرکی با دل آسوده و آرامش بدهم.

این قاچاق وجود خواهد داشت، چه بخواهیم و چه نخواهیم، مگر رابطه تجاری حل شود. اگر هم بخواهیم نظام تولید ما نظام سرپایی باشد حتما باید سیاست‌های دولت چه رقابتی و چه حمایتی به‌طور شفاف پشت آن باشد. حال نوع حمایت آن که تبدیل به جای ضعیف نشود و رقابت نسبی هم فراهم شود، بحث گسترده کارشناسی می‌خواهد. اگر بخواهیم قاچاق تبدیل به تجارت شود باید این دو هزینه با هم یکسان گردد، یعنی هزینه واردات یک کیلو چسای با هزینه قاچاق. ریسک

قاچاق در کشور ما حدود ۴/۵ درصد است، یعنی از ۱۰۰ کیلو قاچاق، ۴/۵ کیلو آن امکان کشف دارد. ما میزان کل قاچاق چای را محاسبه کردیم و در دوره چندساله میزان کل مکشوفات را هم به دست آوردیم و پرونده به پرونده را جمع کردیم. در یک دوره ۳/۱، در دوره‌ای ۶ درصد و به طور متوسط ۴/۵ درصد است. بنابراین ریسک پایینی دارد و به این علت فرد سعی می‌کند وارد سیستم قاچاق شود. ما آن زمان در تحلیل عراق، هم به تعارض و هم به هماهنگی‌هایی میان حزب دموکرات، حزب اتحادیه میهنی و حتی صدام رسیدیم. از ۱۹۹۱ به بعد صدام و پسرش عدی وارد قاچاق شدند. آنها یک میلیارد دلار معاملات قاچاق داشتند. از گمرک ابراهیم خلیل که تنها نقطه گمرکی عراق و ترکیه بود قاچاق رد می‌شد، چرا که این گمرک روی رودخانه مرزی است و مانند مرزهای ما باز نیست، یعنی یک پل برای رفت و یک پل برای برگشت دارد. از سوی ترکیه چندین ایست بازرسی در اتوبان‌ها وجود دارد. ۲۲ مایل صف قاچاق کامیون‌های نفت در عراق بود، درحالی‌که قاچاقی که ممنوعه است و جلوی آن را می‌گیرند، فرد قاچاقچی باید تیز باشد و بتواند فرار کند. طول صف نفتکش‌هایی که نفت عراق را به ترکیه حمل می‌کردند ۲۲ مایل بوده، این موضوع نشان از ترافیک سنگین قاچاق دارد. این نشان می‌دهد قاچاق سازمان‌یافته بوده و احزاب و دولت مرکزی توافقاتی دارند. دموکرات و اربیل در این پروسه در کنترل حزب دموکرات است. سلیمانیه در کنترل اتحادیه میهنی بود. در زمان‌هایی مسیر بندر آزاد مرسین در ترکیه، گمرک ابراهیم خلیل، پایگاه‌های حزب دموکرات و اتحادیه میهنی است. وقتی صدام وارد قاچاق می‌شود مسیر دوی به جنوب عراق نیز تقویت می‌شود. حتی بخشی از قاچاق از جنوب وارد سلیمانیه شده و سپس وارد ایران می‌شد. این درحالی‌است که در اربیل و دهوک (منطقه حزب دموکرات) چای نیست، بلکه قطعات ماشین آلات است، از آنجا به پیرانشهر و مسیر دوم به سردشت و مریوان می‌آید. اینها در شهرهای درجه دوم ایران بارانداز دارند و عمق و اندازه باراندازها متفاوت است و از اینجا کم‌کم به کل شهرهای بزرگ ما تقسیم می‌شوند. سپس به دست توزیع کنندگان بزرگی می‌افتد که در بازار چای دست دارند که اگر اتبار و بارانداز نباشد ناممکن است. در اقتصاد اگر ذخیره داشته باشید و این ذخایر را کنترل کنید، می‌توانید قیمت را کنترل نمایید. اگر قیمت بالا رفت جنس به بازار می‌آید و اگر پایین بیاید، محدودیت فروش پیدا می‌کند. ما بسیاری از ترندهای واردات را بررسی کردیم

**فرض ما در تحقیق و تفحص بر این بود که - صرف نظر از ماهیت اخلاقی آن - اگر فردی میان دو گزینه قاچاق و تجارت قرار گیرد قاچاق را انتخاب می‌کند یا تجارت را؟ این پاسخ است که اگر قواعد تجارت قابل پیش‌بینی باشد تعداد بسیاری افراد می‌توانند وارد تجارت شوند، درحالی‌که در حوزه قاچاق هرکس نمی‌تواند وارد شود، زیرا اداره قاچاق کار هر کسی نیست، پس اگر این تجارت پایدار شود تجارت سالم و آزاد شکل می‌گیرد در غیر این صورت، قاچاق پررونق می‌شود، زیرا عوامل قاچاق به دنبال سود هستند. این انگیزه مهم کسانی بوده است که به دنبال قاچاق رفته‌اند**

عددی کمتر از میزان ورودی را نشان می‌دهد. ما وقتی پرونده‌ها را پیگیری کردیم متوجه شدیم شرکت‌های حمل و نقل پدیده بسیار عجیبی در این مسئله هستند. ما تمام بازنامه‌های کمپانی‌های ترابری را بیرون کشیدیم و مسیرها را مشخص کردیم تا بدانیم کدام شرکت در کجا کار می‌کند. بعضی از آنها خط دوغارونی داشتند و برخی خط سرخسی و برخی خطوط دیگر.

انتشار این گزارش می‌توانست از سوی به سیاستگذاری کلان اقتصادی کمک کند و از سوی دیگر به مردم اطلاع‌رسانی شده و جلوی شایعات گرفته شود. مردم در جریان فراز می‌گرفتند که وضعیت چای چگونه است و آیا نیازی به واردات هست یا نه. تا آنکه بعدها سیاستی اعمال می‌شود توجه شده باشند، از این رو انتشار این گزارش‌ها مهم و راهگشاست.

لحظ وقتی سرنوشت این گزارش را دیدم از خودم پرسیدم اگر می‌دانستی این گونه می‌شود آیا زمانی در حدود یک‌سال و نیم را زوی این کار صرف می‌کردی یا نه؟ این گزارش انتشار یافت، ولی بهره‌برداری نشد.

کار پژوهشی کاری فرهنگی است که همواره مورد استفاده و مبنای تحقیق قرار خواهد گرفت، تحقیق هم نیاز به بازاریابی دارد که بر دوش محقق و متولیان تحقیقات است. یکی از دوستان می‌گفت در فرانسه آزادی است و حرف می‌زنند، ولی طبقات و باندها شکل گرفته و حرف خوب تأثیری نمی‌گذارد. در ایران پیش از این باندها و طبقات شکل نگرفته بود و حرف خوبی اگر زده می‌شد اثرگذار بود و جابه‌جایی طبقاتی می‌کرد، ولی حالا به گونه‌ای شده که طبقات شکل گرفته‌اند.

یک‌بار در تلویزیون برنامه‌ای بخش می‌شد و گروهی در مورد چای ملی آن چنان با شور و حرارت صحبت می‌کردند، درحالی‌که این حق را نداشتند، چرا که دست کم چند نفر از آنها را من می‌شناختم که در این زمینه پرونده داشتند. در گزارش ما به موارد گوناگونی اشاره شده بود، برای نمونه ارتباط فضای اقتصادی، سیاسی و امنیتی عراق به همدیگر، یعنی چگونه می‌شود که حزب دموکرات یا برخی احزاب دیگر در مذاکراتی که امریکا پیش از اشغال عراق در آنجا انجام داده و به دنبال شکل‌گیری جریان ضد صدام بود، این احزاب در آن مذاکرات شرکت نمی‌کنند، چرا که آنها روابط اقتصادی تنگاتنگ بر سر جریان قاچاق با صدام داشتند. یک حزب در مورد حزب دیگری می‌گفت اگر درآمد قاچاق ۱۰ درصد سود داشته باشد، ۲۵ درصد به فلان حزب می‌رسد و ۲۵ درصد آن هم نصیب عدی، پسر صدام می‌شود. این تنها شامل چای نبود، بلکه در مورد نفت، سوخت و

قطعات الکترونیکی نیز بود.  
■ هیچ گاه تکاهی به دنبال قانونی شدن واردات نبوده است؟

□ ممکن است برخی تحلیل‌ها این را بگویند. من به این اشاره کرده‌ام که اساساً بازارچه‌های امنیتی برای چه تشکیل می‌شود. بازارچه‌های مرزی زیر نظر گمرک و بازارچه‌های امنیتی زیر نظر شورای عالی امنیت ملی بود. در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ عملکرد آنها بد می‌شود. در گزارش ما هم آمده که با دخالت

دیگری باشد. از آنجا که این مسائل علاقه ذاتی آنها نیست به محض این که این رانت‌ها و فضاها زیست که به مثابه منشأ فیض هستند قطع شود، دیگر به کاری که در دست دارند نمی‌توانند بپردازند و گروه دیگری جانشین می‌شود.

■ آیا اگر منشأ رانت قطع شود، باندهایی که ارتزاق می‌کنند شورش کرده و با شورش روبه‌رو خواهیم شد؟

□ خیر، تا حدی خود را آماده کرده‌اند. اینها

دارایی خود را عمدتاً در شرایط بی‌نیازت به خارج کشور جاها خواهند کرد؛ در حالی که اگر اقتصادی آرام و سالم باشد، سرمایه این‌گونه نباید جاها شود. سرمایه ناگهان از بیم ریسک از دست دادن به آنجا انتقال می‌یابد.

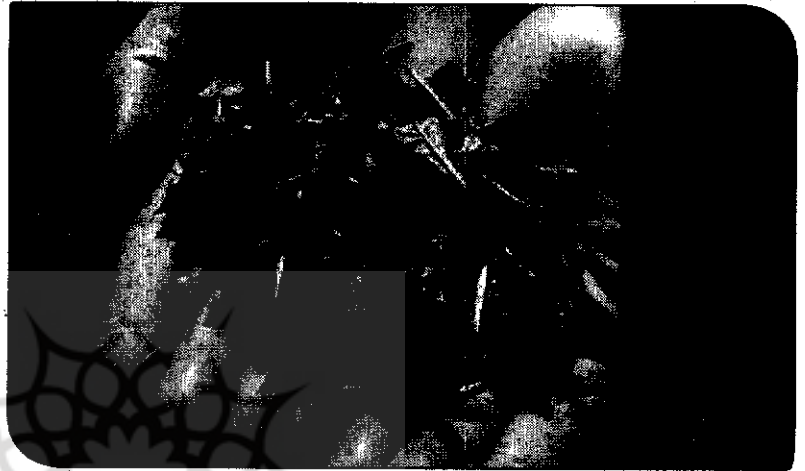
■ دکتر کاتوزیان در نظریه خود (استبداد ایرانی) تفاوت اقتصاد سیاسی ما با کشورهای اروپایی را در این می‌داند که در آن کشورها طبقات، حکومت را به وجود می‌آورند. در کشورهای ما که طبقات شکل گرفته نهادهای مدنی نیز شکل گرفته و آنها نظرات خود را از طریق نهادهای مدنی اعمال می‌کنند. در ایران حکومت، خود را بی‌نیاز از طبقه و حکومت را فوقی طبقات می‌داند. (البته بررسی او مربوط به زمان پهلوی است و شاید قابل تعمیم باشد) در واقع مشروعیت طبقه، بستگی به وجود حکومت دارد.

□ بله، این وضعیت، افراد سرزنش‌گامی درست می‌کند که در موقعیت مناسب وارد گردونه می‌شوند، سهم خود را می‌گیرند و در موقعیت نامناسب فرار می‌کنند تا دوباره موقعیت جدید در جایی دیگر فراهم شود.

■ اگر نتایج این تحقیق و تفحص مورد بررسی و مذاکره قرار گیرد، حتی می‌تواند در ساختارهای سیاسی و اجتماعی - هر چند کند - مؤثر واقع شود.

□ کاملاً درست است. بسک پژوهشگر که نمی‌تواند خودش هم برای پیگیری نتایج و یافته‌های تحقیق برود. کار او را در همان‌جا خاتمه یافته تلقی کنید. از اینجا کار مطبوعات و نهادهای مدنی و حکومتی شروع می‌شود. از این دست پژوهش‌های انجام شده در مسائل مختلف فراوان است، ولی آیا ما اعتقاد داریم که بر مبنای کار کارشناسی شده عمل می‌کنیم. برخی از مسئولانی که خودشان از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند وقتی کار علمی را با اراده خود مخالف می‌بینند، علم را انکار می‌کنند. عین این کار را من در مأموریتی که نمایندگان تهران در مجلس ششم به من دادند در خصوص زلزله تهران انجام دادم. خلاصه آن‌ها در جلسه مشترک نمایندگان تهران و شورای شهر تهران و شهرداری تهران هم مطرح کردم، ولی چه نتیجه‌ای گرفته شد، چه پیگیری‌ای شد و از کدام داده استفاده شد؟ بگذاریم و بگذاریم که من در این صحبت نخواستم اجزای این تحقیق و تفحص را باز کنم. بیشتر برای ایجاد حساسیت و انگیزه‌ای بود که شاید نتیجه این تحقیق و تفحص مورد بررسی هر ذی‌مدخلی قرار گیرد کار کامل‌تر و پیگیری شود.

■ با تشکر از فرصتی که برای انجام این گفت‌وگو در اختیار نشریه چشم‌انداز ایران قرار دادید.



مسئولان کشور این کار متوقف می‌شود.

در برخی مناطق قاچاق امری مذموم نیست، چون بیکاری در آنجا بیندازد می‌کند و توسعه اقتصادی بسیار کم است، پس باید چه کاری انجام دهند؟ خرده‌پاها و حمل‌کنندگان را می‌گیریم که جان خود را کف دستشان می‌گذارند نه باندها را. در همین گزارش آمده که یک افغانسی به نام نیل‌خان را در ارتباط با مواد مخدر گرفته بودند که گفته بود چه کسی می‌گوید قاچاق حرام است؟ قاچاق حلال است، چطور وقتی کبهانی‌های خارجی این کارها را می‌کنند حلال است، اما برای ما حرام؟ خرده‌پا برای رزق خانواده‌اش به ناچار فعالیت می‌کند. اگر ما به این مسائل توجه نداشته باشیم، آن‌گاه فکر می‌کنیم که اینها به کشورشان و منافع ملی خیانت می‌کنند. باید دید از چه نگاهی به قاچاق نگریم می‌شود؟ از نگاه ملی، اجتماعی، قومیت یا کارخانه‌دار، کشاورز، توزیع‌کننده و... در مورد این پدیده نظرات مختلف و بعضاً اختلاف نظر دارند.

■ نظر شما در مورد شرایط به وجود آمده و بحث شکل‌گیری این گروه‌ها چیست؟

□ حیات این گروه‌ها به رانت‌ها و استفاده از فضاها و شکاف‌هایی مثل شکاف امنیتی میان کشوری وصل است، حال می‌خواهد رانت اطلاعاتی، مجوز و حمایت، وام و یا هر چیز

اگر ۷۰۰ هزار تومان درآمد سال ۱۳۸۲ خانوار چایکار در سال را تقسیم بر ۱۲ (ماه) کنیم، حدود ۶۰ هزار تومان می‌شود، یعنی متوسط درآمد ماهانه یک خانوار چایکار ۶۰ هزار تومان بوده است، حال تصور کنید اینها چگونه با این میزان درآمد، زندگی می‌کردند

وقتی سیاست صادرات و واردات پایداری نباشد، سیاست قاچاق پایدار شکل می‌گیرد و راه و روش خود را هم پیدا می‌کند